

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی یزدی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۲۲ - دوشنبه ۹۱/۸/۱

محقق نائینی رحمته الله علیه دو برهان بر عدم امکان جعل مولوی احتیاط از سوی شارع، بیان کرده‌اند. برهان اول ایشان از طریق لغویت است.

برهان اول محقق نائینی بر عدم امکان جعل مولوی احتیاط

از آن جا که عقل رجحان احتیاط را درک می‌کند، انگیزه برای مکلف حاصل می‌شود تا احتیاط کند، در نتیجه جعل مولوی استحباب احتیاط، لغو خواهد بود؛ زیرا فرض آن است که این حکم مولوی مفید الزام نیست و تنها رجحان را بیان می‌کند و رجحان به همان میزان نیز با درک عقلی حاصل است، بنابراین اثری بر جعل تشریحی مترتب نیست و در نتیجه لغو خواهد بود و از حکیم لغو صادر نمی‌شود.

اشکال برخی بر برهان اول محقق نائینی رحمته الله علیه

برخی در مقابل این بیان، فرموده‌اند جعل مولوی استحباب احتیاط می‌تواند به ملاکی فراتر از ملاک درک واقع باشد، به گونه‌ای که یا عقل آن را درک نمی‌کند و یا به نحوی که شرع جعل می‌کند درک نمی‌کند. بنابراین با امر به احتیاط، شارع هم می‌تواند واقع را در حیطه‌ی امتثال در آورد و در عین حال ملاک دیگری را نیز استیفاء می‌کند. این ملاک مثلاً این گونه است که مکلف با رعایت احتیاط در مراتب تقوا صعود می‌کند و دارای کمال بالاتر و ملکه‌ی قوی‌تری می‌شود و این یک ملاک نفسی است و شارع نیز می‌تواند بر اساس آن یا نظیر آن امر کند، چنانکه از بعضی روایات نیز اشاره به این ملاک استفاده می‌شود.

در عبارتی که از امیر المؤمنین علیه السلام نقل شد بیان فرمودند: «مَنْ تَرَكَ مَا اشْتَبَهَ عَلَيْهِ مِنَ الْإِثْمِ فَهُوَ لِمَا اسْتَبَانَ لَهُ أَتْرَكَ»؛ کسی که مشتبه را ترک کند نسبت به اثم و گناه روشن، تارک تر خواهد بود. بنابراین چنین نیست که احتیاط فقط و فقط برای درک واقع باشد بلکه ملاکی اضافه بر درک واقع دارد.

نقد و بررسی اشکال بر برهان اول مرحوم نائینی

این اشکال زمانی بر محقق نائینی وارد است که ایشان بگویند به طور کلی جعل استحباب برای احتیاط لغو است، ولی امکان دارد گفته شود که بیان مرحوم نائینی جعل همان استحبابی را که عقل درک می کند لغو می داند نه آنکه استحباب به ملاکی اضافه بر آن را نیز لغو می داند. بنابراین باید در عالم اثبات بحث شود که آیا از ادله استفاده می شود احتیاطی که تحت امر رفته همان است که عقل آن را درک می کند یا فراتر از آن می باشد؟

اگر همان درک عقلی تحت امر رفته است اشکال محقق نائینی وارد است، اما اگر امکان ملاک فراتر از آن رود اشکال وارد نیست. پس در حقیقت باید در عالم اثبات ادله را بررسی کنیم و به دست آوریم لسان ادله چه احتیاطی را تحت امر قرار می دهد.

پاسخ شهید صدر به برهان اول محقق نائینی علیه السلام

این پاسخ با مکتب اصولی شهید صدر سازگار است لذا ایشان امعان نظر خاصی به مطالب این پاسخ دارد و از این بیان در موارد مختلفی استفاده کرده است. شهید صدر بیان می کند: شارع با جعل استحباب مولوی برای احتیاط، اهتمام خود را نسبت به احکام واقعی ابراز می کند.^۱

توضیح بیشتر: در نظر شارع دو امر وجود دارد: ۱- ملاکات واقعی احکام و جوب، حرمت و ...

۲- مصلحت تسهیل بر مکلفین (کون المکلفین فی الفسحة)

گاهی اهمیت ملاکات احکام واقعی به گونه ای است که شارع راضی به فوت آنها نیست و در نتیجه

۱. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام حَظَبَ النَّاسَ فَقَالَ فِي كَلَامٍ ذَكَرَهُ حَلَالٌ بَيْنَ وَحَرَامٌ بَيْنَ وَشُبُهَاتٌ بَيْنَ ذَلِكَ فَمَنْ تَرَكَ مَا اشْتَبَهَ عَلَيْهِ مِنَ الْإِثْمِ فَهُوَ لِمَا اسْتَبَانَ لَهُ أَتْرَكَ وَالْمَعَاصِي حِمَى اللَّهِ فَمَنْ بَرَّعَ حَوْلَهَا يُوشِكُ أَنْ يَدْخُلَهَا. (وسائل الشيعة، ج ۲۷، ص ۱۶۱، ح ۲۷ «۳۳۴۹۰»)

۲. شهید صدر، بحوث فی علم الاصول، ج ۵، ص ۱۱۸.

هنگام جهل، احتیاط را بر مکلفین واجب می‌کند تا مبادا ملاک واقعی فوت شود و گاهی مصلحت تسهیل بر مکلفین، غالب بر حفظ ملاکات واقعی است و شارع حکم ظاهری اباحه را تشریح می‌کند.

و گاهی نیز ملاکات واقعی نزد شارع آنقدر اهمیت ندارد که احتیاط را واجب کند و از سوی دیگر مصلحت تسهیل نیز آنقدر مهم نیست تا به راحتی عند الجهل، تشریح حلیت شود بلکه مقداری اهمیت دارد دارد که اولیٰ عدم ترک واقع است و به طور نسبی حفظ ملاکات، مورد اهتمام مولا است. در این موارد شارع جعل استحباب احتیاط می‌کند تا ابراز کند فی الجمله به ملاکات واقعی اهتمام دارد. بنابراین لغویت حاصل نمی‌آید؛ زیرا از درک عقلی فراتر است.

نقد و بررسی کلام شهید صدر رحمته الله

ابتدا باید پرسیده شود ابراز اهتمام مولا به ملاکات واقعی و تلاش برای حفظ آنها آیا ملاکی غیر از ملاک واقع دارد یا همان ملاک واقع را دارد؟

اگر ناشی از ملاکی غیر از ملاک واقع باشد از فرض ما خارج است؛ زیرا بحث ما در احتیاط است که معنایش حفظ واقع است و اوامر احتیاط باید برای حفظ مصالح واقعی باشد. آری، در مواردی مصالح واقعی دارای اهمیت بالایی است و در مواردی این گونه نیست و فرض آن است که شهید صدر فی الجمله می‌پذیرد که در برخی موارد ملاکات واقعی مغلوب ملاکات تسهیل مکلفین است. بنابراین وقتی شارع احتیاط استحبابی را مطرح می‌کند چگونه ابراز اهتمام مضاعف خود را بیان کرده است در حالی که این احتیاط نسبت به همه‌ی موارد یکسان است و حتی شامل مواردی که مصلحت تسهیل غالب است نیز می‌شود.

آری، اگر در مواردی بالخصوص استحباب احتیاط را ذکر کرده باشد می‌توانیم بگوییم در آن موارد دارای اهتمام بیشتر است، اما وقتی با یک لسان مانند «الوقوف عند الشبهات خیر من الاقتحام فی الهلکات» و ... امر به احتیاط می‌کند و موارد متعدد است به گونه‌ای که برخی موارد اهمیت بالایی دارد و برخی موارد این اهمیت را ندارد و یا اساساً مغلوب مصلحت تسهیل است، کلام شهید صدر مصداقی پیدا نمی‌کند.

به نظر می‌رسد دلیل اوّل محقق نائینی مبنی بر لغویت جعل استحباب برای احتیاط فی الجمله تمام است و نمی‌توانیم بگوییم اشکالات مذکور علی الاطلاق وارد است بلکه منوط به بررسی لسان ادله است و اگر لسان به گونه‌ای باشد که احتمال دهیم ملاکی فراتر از حفظ واقع در جعل احتیاط وجود دارد می‌توانیم ملتزم شویم به استحباب احتیاط شرعاً.

برهان دوم محقق نائینی بر عدم امکان جعل مولوی احتیاط

در بحث قطع و تجرّی، میرزای شیرازی رحمته الله علیه مطلبی را به صورت ضمنی بیان کردند و فرمودند در جایی طبق قاعده‌ی ملازمه از حکم عقل، حکم شرع استفاده می‌شود که حکم عقل در مرتبه‌ی علت برای احکام باشد نه در مرتبه‌ی معلول.

مرحوم نائینی که تلمیذ میرزای شیرازی هستند از این سخن تبعیت کردند و در اینجا نیز می‌فرمایند: زمانی می‌توان به ازای حکم عقل، حکم شرعی را کشف کرد که حکم عقلی در مرتبه‌ی معلول نباشد بلکه در مرتبه‌ی علت باشد، در حالی که در ما نحن فیه حکم عقل به حُسن احتیاط در مرتبه‌ی معلول است نه علت، پس نمی‌تواند کاشف از حکم شرعی باشد و اصلاً نمی‌تواند حکم شرعی به حذاء آن وجود داشته باشد.

توضیح ذلک: اگر فرض حکمی برای شارع نشود احتیاط معنا نخواهد داشت؛ زیرا احتیاط برای حفظ حکم شارع است اما اگر هیچ حکمی نباشد عقل ابتداءً حکم به حُسن احتیاط نمی‌کند، پس حکم به حُسن احتیاط در مرتبه‌ی بعد از حکم شرع است.

بنابراین مرتبه‌ی احتیاط بعد از مرتبه‌ی فرض حکم شرعی قرار دارد و در مرتبه‌ی معلول است و به حذاء آن حکم شرعی وجود ندارد.

نقد و بررسی برهان دوم محقق نائینی رحمته الله علیه

در مبحث قطع و تجرّی، فی‌الجمله کلام میرزای شیرازی را پذیرفتیم اما نه علی‌الاطلاق. در آن مبحث بیان کردیم احکام عقلیه‌ای که در مرحله‌ی معلول است، از آنجا که همیشه وابسته به وجود حکم شرعی در مرتبه‌ی سابق است و با فرض وجود چنین حکمی اگر حکم شرعی دیگری محاذی حکم عقلی وجود داشته باشد منجر به لغویت یا دور یا تسلسل می‌شود، هیچ‌گاه حکم شرعی به حذاء حکم عقلی در مرتبه‌ی معلول وجود ندارد.

بیان مطلب: گاهی حکم عقلی در مرحله‌ی علت است مانند درک عقل نسبت به حُسن عدالت که چه شارع باشد چه نباشد و چه حکمی داشته باشد یا نداشته باشد عقل حکم می‌کند: «العدل حَسَن» و یا حکم می‌کند «الظلم قبیح». در واقع این درک عقلی می‌تواند منشأ کشف حکم شرعی نیز بشود؛ مثلاً

شارع نیز امر به عدل می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ». لذا مشهور گفته‌اند: «كَلَّمَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ» هر چند ما در آنجا تبیین خودمان را داشته‌ایم.

ولی گاهی برخی احکام عقلی بدون فرض حکم شرع معنا ندارد، مانند اینکه شارع امر به صلاة می‌کند و عقل حکم به وجوب اطاعت این امر شارع می‌کند و قُبْح و بدی عصیان این امر را درک می‌کند. این درک عقلی پس از امر شارع و در مرحله‌ی معلول است و اگر شارع امری نداشته باشد حُسن طاعت و قبیح معصیت بی‌معنا خواهد بود. این احکام که در مرحله‌ی معلول است به گونه‌ای نیست که کشف از حکم شرعی و قاعده‌ی ملازمه (كَلَّمَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ) بر آن تطبیق شود؛ زیرا مبتلا به محذور است به دلیل آنکه بعد از اینکه عقل به حُسن و ضرورت اطاعت شارع حکم کرد، اگر شارع دوباره امر مولوی به اطاعت داشته باشد تا امر به «صلِّ» اطاعت شود این امر به اطاعت با امر به صلِّ چه تفاوتی دارد؟ اگر این امر دوباره در امثال عبد مؤثر است همان امر «صلِّ» نیز دارای تأثیر می‌باشد و کافی است و اگر امر دوم مؤثر نباشد یعنی نیازمند امر سوم است و امر سوم نیازمند به امر چهارمی برای وجوب اطاعت می‌باشد و هلمّ جراً فیتسلسل ... و اگر این اوامر به «اطیعوا»ی اوّل باز گردد دور خواهد بود. بنابراین به حذاء احکام عقلی در مرتبه‌ی معلول، اوامر مولوی وجود نخواهد داشت.

مرحوم نائینی آن قاعده را به ما نحن فیه سرایت داده‌اند اما محاذیر مذکور را ذکر نکرده‌اند.

مقرر: سید حامد طاهری